

به نام خدا

گروه علوم اجتماعی استان کرمان

درسنامه درس اول جامعه شناسی ۲- جهان فرهنگی - امین امینی زاده سرگروه استان کرمان

هرفرهنگی در عمیق ترین لابه های خود (عقاید وارزش ها) به بنیادی ترین پرسشهای بشر پاسخ می دهد.

پرسش های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می شود:

هستی شناسانه	پرسش هایی از قبیل این که آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می شود؟
انسان شناسانه	پرسش هایی از قبیل این که آیا انسان موجودی مختار و فعال است. یا مجبور و منفعل؟
معرفت شناسانه	پرسش هایی از قبیل این که آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟

پرسش ها و پاسخ های بنیادی همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ از انسان و جهان را می سازند و به مثابه روح یا شالوده آن فرهنگ عمل می کنند.

جهان انسانی

دراطراف ما ، پدیده های متنوع و متعددی وجود دارند که در مجموعه های مهم و بزرگی دسته بندی می شوند. این مجموعه ها را به دلیل اهمیت آن ها جهان می نامند و یکی از این جهان ها «جهان انسانی» است.

جهان انسانی محصول زندگی انسان است. و هر چه باندیشه و عمل انسان پدید می آید، مربوط به این جهان است. مثال (فرهنگ - آداب و رسوم - آثار هنری - بناهای تاریخی و هر چه انسان ها به وجود آورده باشد) جزئی از جهان انسانی محسوب می شود.

جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می شود.

بخش فردی	به زندگی شخصی و فردی انسان هاباز می گردد و ابعاد ذهنی ، اخلاقی و روانی انسان ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از دانسته های، تجربیات و خلیقات ویژه هر یک از ما که افراد دیگر در آن شریک نیستن در این بخش جای دارد. از بخش فردی جهان انسانی به جهان ذهنی تعبیر می شود و کنش های فردی انسان ها به این بخش جهان انسانی تعلق دارد. مثال : وقتی فردی درباره مساله خاصی می اندیشد. در محدوده فردی و ذهنی جهان انسانی قرار می گیرد.
بخش اجتماعی	زندگی اجتماعی انسان ها را در بر می گیرد و این بخش هویت فرهنگی دارد. زیرا فرهنگ : ۱- محصول آگاهی و عمل مشترک انسان هاست . ۲ - شیوه زندگی اجتماعی انسان ها را شکل می دهد. از بخش اجتماعی جهان انسانی به جهان فرهنگی تعبیر می شود و کنش های اجتماعی انسان ها به این بخش جهان انسانی تعلق دارد. مثال: وقتی فردی اندیشه خود را به صورت گفتار و یا نوشتار بیان کند. یا بر اساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار کند. به محدوده اجتماعی و فرهنگی جان انسانی وارد می شود.

رابطه بین جهان ذهنی و جهان فرهنگی

بین دو بخش ذهنی (فردی) و فرهنگی (اجتماعی) جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد:

تاثیر جهان فرهنگی بر جهان ذهنی	هر فرهنگ ، نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی در افراد پدید می آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات اجازه بروز و ظهور می دهد.
تاثیر جهان ذهنی بر جهان فرهنگی	هر نوع عقیده و اخلاقی نیز فرهنگ متناسب با خود را جست جو می کند.

جهان تکوینی

تمامی پدیده های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند برخی از پدیده ها پیش از انسان و مستقل از خواست و اراده انسان وجود دارند. درمقابل جهان انسانی می تواند از جهان دیگری نام بد که به آن جهان تکوینی می گویند.

مثال: ابر و مه و خورشید، فرشتگان، شیرین بودن عسل محصول زندگی انسان نیستند، بلکه مستقل از خواست و اراده آدمی وجود دارند و از این رو به جهان تکوینی تعلق دارند.

در رابطه با جهان تکوینی (یعنی جهان مستقل از خواست و اراده انسان) دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول (مادی گرایان):

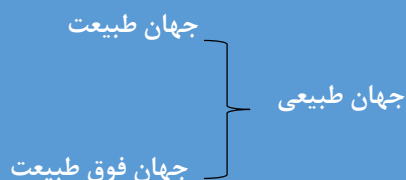
۱- جهان تکوینی به طبیعت محدود است. جهان تکوینی = جهان طبیعت

۲- طرفداران این دیدگاه طبیعت را درمقابل جهان انسانی قرار می دهند و از سه جهان سخن می گویند. ۱- جهان طبیعت ۲- جهان ذهن ۳- جهان فرهنگ

دیدگاه دوم (متفکران مسلمان):

جهان تکوینی به طبیعت محدود نیست .

جهان طبیعت رابه عنوان بخشی از جهان تکوینی می دانند.



تعامل جهان های ذهنی ، فرهنگی و تکوینی

بین جهان های مختلف رابطه و تعامل وجود دارد.

در رابطه با رابطه و پیوند بین جهان های مختلف دیدگاه های متفاوتی وجود دارد.

جهان تکوینی را محدود به جهان طبیعت می دانند و جهان طبیعت را مهم تر از جهان انسانی (جهان ذهنی و فرهنگی) می پندارند.

در این دیدگاه :

- ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن ها نظیر علوم طبیعی است.

- بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی وجد ندارد.

انتقاد وارد بر این دیدگاه : نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی باعث سلب ظرفیتها و قابلیت هایی از علوم انسانی و اجتماعی می شود.

دیدگاه اول



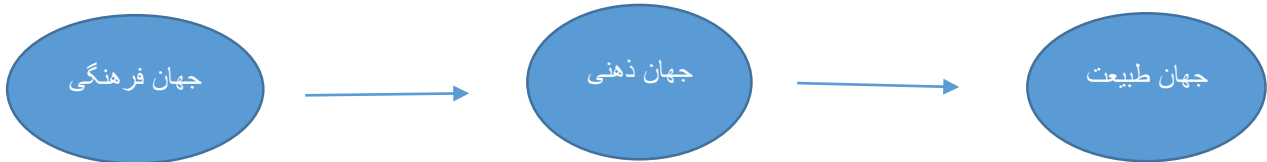
جهان فرهنگی را مهم تر از جهان ذهنی و تکوینی می دانند.

در این دیدگاه :

جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آنهاست . و به همین دلیل جهان تکوینی نیز به عنوان ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ ها و جوامع در نظر گرفته می شود.

جهان ذهنی و جهان تکوینی در برابر جهان فرهنگی اهمیتی ندارد و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می دهند.

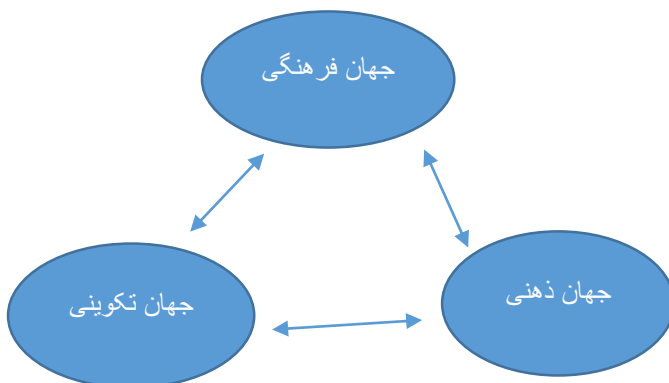
دیدگاه دوم



رویکرد کسانی است که جهان فرهنگی ، جهان ذهنی و جهان تکوینی را مهم و در تعامل بایکدیگر می دانند.

همان دیدگاه قرآن است ، که فرصت تعامل صحیح انسان با خودش و جهان هستی را فراهم می کند.

دیدگاه سوم



درنگاه قرآنی

-جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست .

- ادراک و آگاهی به انسان منحصر نمی شود.

قرآن کریم برای جامعه و فرهنگ جایگاه ویژه ای قائل است و از زندگی و مرگ انسان ها سخن می گوید.

جهان فردی اشخاص را ندیده نمی گیرد و بر مسئولیت های فرد در قبال فرهنگ و جامعه تاکید می کند.

جهان تکوینی بر اساس حکمت و خواست خداوند سبحان با افراد و جوامع انسانی رفتار حکیمانه ای دارد.